

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۰

حکومت مهدوی در پرتو شاخص های جهانی سازی آن

حمید تابی* ، معصومه سالاری راد**

جواد صالحی*** ، علی غلامعلی پور****

چکیده

شکل گیری حکومت جهانی مهدوی، یکی از مباحث اساسی در حوزه مهدویت است. اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهان شمول ایشان، امید و آرزوی همه انسان ها در دست یابی به حکومت عدل جهانی و از بین رفتن ظلم و تبعیض، فساد، بی عدالتی، جاهلیت، سقاقت، بی دینی، جمود فکری، فساد اخلاقی، تبعیض نژادی و قوم گرایی است. محقق شدن این هدف، از مهم ترین اوصاف و شاخص های جهانی سازی مهدوی به شمار می رود. جهانی سازی که تفکر آرمانی اسلام ناب است، به طور اخص در اندیشه شیعه دوازده امامی تبلور یافته است. این جهانی سازی، راهبردی آرمانی برای جامعه بشری محسوب می گردد؛ زیرا برخلاف جهانی سازی غربی، پیامدها و دست آوردهای منفی، مانند بحران های اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و دینی، بحران محیط زیست، بحران امنیت و آرامش،

* استادیار دانشگاه پیام نور کرمان.

** نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان. (Masome_Salari@Pnu.ac.ir)

*** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان.

**** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان.

تبعیض‌گرایی، هضم انسان‌های ضعیف در بازار جهانی استکباری و تسلط استکبار و سلطه سرمایه‌داری جهانی را ندارد. در این مقاله، سعی می‌شود تا با تبیین جهانی‌سازی غربی و برشمردن مؤلفه‌های زیان‌بار آن، جهانی‌سازی اسلامی - مهدوی و شاخص‌های اصلی آن، به عنوان الگوی برتر و تنها راهبرد همه‌جانبه رفع آلام بشریت و زدودن بحران‌های جهان با استناد به روایات معصومان علیهم‌السلام اثبات گردد.

واژگان کلیدی

جهانی‌سازی، حکومت مهدوی، جهانی بودن اسلام، راهبرد آرمانی، بحران، سرمایه‌داری غربی.

مقدمه

مسئله مهدویت، یکی از اصولی‌ترین زمینه‌های تداوم اسلام و شرط ضروری پیروزی و حاکمیت همه‌جانبه اسلام بر دیگر آیین‌ها و حکومت‌های جهان است؛ زیرا اسلام حقیقی، در سایه رهنمودها و زعامت امام واجد شرایط و خلیفه معصوم و منتصب از جانب خداوند، در سرتاسر گیتی و در میان تمام مردم کره زمین جلوه‌گر شده، وعده الهی مبنی بر غلبه مستضعفان بر مستکبران و وارث شدن آن‌ها، تحقق خواهد یافت. صرف نظر از آن‌که نظام مهدوی، پدیده‌ای حقیقی است، رهیافتی عینی، عملی و واقع‌شدنی به شمار می‌آید. اعتقاد به نظام جهانی مهدوی، اعتقاد به فراگیر شدن مکارم اخلاقی، عدالت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، استقرار حکومت و دین واحد جهانی و استقرار امنیت و آرامش است که گم‌شده بشریت امروز محسوب می‌گردد. بشریت تاکنون در روزگاری به سر می‌برد که کانون گرداب‌های رنج و دردآور محرومیت، فقر و گرسنگی، بردگی و بندگی قدرت‌های فاسد و نااهل، جاهلیت و سفاهت، پایمال شدن ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی و اوج گرفتن شهوات و ارزش‌های حیوانی است. آری، این عوامل، انسان‌ها را به حسیض ذلت کشانده و تاریخ، مآلمال از این اندوه‌ها و گرفتاری‌هاست. حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام طلوع زیبا و روشن خوبی‌ها و پایان همه دردها و نابسامانی‌هاست. این حکومت، طرح براندازی همه زورگویان و صبح صادق الهی است که با امدادهای غیبی و یاری صالحان شکل می‌گیرد. این نوع جهانی‌سازی، شاخص‌هایی دارد که در هیچ حکومت جهانی یافت نمی‌شود و صرفاً مختص به جهانی‌سازی مهدی موعود علیه‌السلام است.

در این نوشتار، پس از بررسی مسئله جهانی سازی (تئوری غربی) و مشکلات و پیامدهای آن، به تبیین نهضت جهانی مهدوی و شاخص‌های آن می‌پردازیم.

جهانی شدن و قرائت‌های متعدد از آن

جهانی سازی یکی از رایج‌ترین اصطلاحات عصر حاضر و پدیده‌ای جدی در عرصه کنونی و دهه‌های آینده است؛ واژه‌ای که در میان سیاست‌مداران، مدیران تجاری، فرهنگی، دانشگاهیان، مطبوعات و... متداول است. قدمت این واژه، به سال‌های آخر دهه پنجاه و سال‌های اولیه دهه شصت میلادی می‌رسد. در سال ۱۳۲۸ شمسی مجله *اکونومیست* از کلمه سهمیه جهانی (Globalized Quota) استفاده کرد. در سال ۱۳۴۰ فرهنگ *ویستر*، تعاریفی درباره دو اصطلاح «Globalization» و «Globalism» ارائه داد. یک سال بعد، نشریه *Spectator* مفهوم جهانی سازی را رایج‌کننده وصف کرد. در سال ۱۳۴۴ مارشال مک لوهان، نام دهکده جهانی را بر کتاب *جنگ و صلح در دهکده جهانی* نهاد (مالکو، ۱۳۷۹: ۱۰). جهانی شدن یا جهانی سازی، پدیده‌ای چندبعدی است؛ به همین جهت اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ادبیات و... را دربر می‌گیرد. جهانی شدن یعنی یک‌سان شدن و یا مشابه کردن دنیا (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۲۱) که این حادثه به شیوه‌های متعددی صورت می‌گیرد.

جهانی شدن بیش از آن که یک پروسه باشد، یک پروژه است (شیرودی، ۱۳۸۱: ۳۳۹). این مطلب از سخنان نظریه پردازان معروفی چون کیسینجر، فوکویاما و هانتینگتون قابل استنباط است. برای مثال، هانتینگتون می‌گوید:

در پایان قرن بیستم، مفهوم تمدن جهانی، در خدمت توجیه سلطه فرهنگی غرب بر دیگر جوامع و نیاز آن‌ها به تقلید از نهادهای غربی درآمده است. جهان‌گرایی، ایدئولوژی غرب برای مقابله با فرهنگ غیرغربی است. آن چه را که غربی‌ها جهانی می‌دانند، غیرغربی‌ها، غربی قلمداد می‌کنند؛ آن چه را که غربی‌ها همگرایی تدریجی جهان می‌پندارند - مثلاً گسترش رسانه‌های جهانی - غیرغربی‌ها امپریالیسم شیطان‌ی غرب می‌دانند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

تعاریف متعددی از جهانی شدن وجود دارد: در تعریفی، جهانی شدن را چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات معرفی کرده‌اند. در تعریف دیگری، جهانی سازی را وصف روندی می‌دانند که در آن اقتصاد جهانی و نیروهای سیاسی و فرهنگی، به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق بازار تازه جهانی، سازمان‌های سیاسی، فراملی و فرهنگ جهانی تازه‌ای دست می‌زنند.

طبق این تعاریف، دورنمای جهانی شدن، فرایند گسترش بازار جهانی سرمایه‌داری، چرخش پرشتاب کالاها، انسان‌ها و اطلاعات است و به یک‌سان‌سازی کشورها و فرهنگ‌های دنیا می‌انجامد. در جهت تحقق این هدف، با فراگیر شدن شبکه‌های مخابراتی، توسعه نظام الکترونیک، افزایش رسانه‌ها و ازدیاد کانال‌های تلویزیونی و شبکه‌های فرامرزی آن‌ها، استفاده از اینترنت و... مرزهای ملی و جغرافیایی از بین رفته و کشورها نقش سابق خود را از دست داده و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی حاکم شده است. همچنین مرزها و قید و بندهای مذهبی و فرهنگی که تنظیم‌کننده روابط جوامع انسانی مختلف هستند، از بین رفته و همه مردم جهان، در جامعه‌ای واحد و فراگیر پیوند خورده و به انتقال سرمایه و نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار خصوصاً در سطح قدرت‌های بزرگ منتهی می‌گردد. همچنین به ظهور دهکده الکترونیکی جهان، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان و گسترش جهان آگاهی می‌انجامد.

دیدگاه‌های متعددی درباره مسئله جهانی شدن وجود دارد: برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از مرحله گذرا و موقت در تاریخ بشر می‌دانند؛ عده‌ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه‌داری غرب برمی‌شمارند و گروهی دیگر، جهانی شدن را تحولی اساسی در سیاست جهانی قلمداد می‌کنند (مردانی گیوی، ۱۳۸۰: ۳۲).

به‌طور کلی درباره جهانی شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: دیدگاه مثبت‌بین و دیدگاه منفی‌بین. در دیدگاه مثبت‌بین، جهانی شدن با فن‌آوری اطلاعات (IT) پیوند خورده و در پی آن است که تمام مردم دنیا را متحد کند و زیر یک پرچم جمع نماید و محرومیت‌ها و شکاف‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از بین ببرد؛ هنجارهای پسندیده انسانی، اخلاقی و دینی را بر جامعه حاکم سازد و وحدتی را در بین مردم ایجاد نماید که تمام انسان‌ها خود را یک پیکره بدانند و در یک سنگر واحد جهانی علیه ظلم و استبداد و عوامل انحرافی متحد و یک صدا شوند. اما در تفکر منفی‌بین، جهانی شدن فرایندی است که در پی ادغام تمام کشورها در بازار جهانی مشترک سرمایه‌داری غرب، به زیر سلطه کشیدن محرومان و ضعیفان و هضم آن‌ها در این بازار و نادیده گرفتن هنجارهای اخلاقی، انسانی، اجتماعی و دینی است. بی‌غلت نیست که اندیشه‌ورانی مانند پولانی، اسکات گری، هوتن و فرک‌لا، از این فرایند جهانی‌سازی با تعبیری مثل غربی‌سازی، امریکایی‌سازی، نظام تک‌قطبی و دهکده جهانی یاد کرده‌اند (صدرا، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

از جمله دست‌آوردهای منفی جهانی‌سازی غربی این است که غالباً این مفهوم، جان‌شینی

برای معانی کهنه‌ای مثل امپریالیسم و نوگرایی به شمار می‌آید و درصدد ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. در این قالب، فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی نمودن انسان‌ها در اولویت کار مجریان این طرح قرار دارد.

متفکرانی مثل لای بز و کاتز، معتقدند که جهانی شدن یا استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته‌بندی می‌شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می‌گردد و آن‌گاه در مغز انسان‌های بی‌گناه می‌نشیند. رابرتسون هم در این باره می‌گوید:

جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن‌ها و سنت‌ها، از منظر نمایش آن‌ها بر روی صحنه جهانی فرهنگی و با هدف توجه به هویت اندیشه‌ها و نمادهای مربوطه است (قراگوزلو، ۱۳۸۱: ۸۰).

فرانسیس فوکویاما نیز که فرجام تاریخ را در غلبه فرهنگ و تمدن امریکایی و لیبرال - دموکراسی غربی می‌داند، درباره جهانی شدن می‌گوید:

فرایند بنیادین در پی آن است تا الگوی تکامل مشترکی بر همه جوامع انسانی دیکته کند. جهانی شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای دستیابی به لیبرال - دموکراسی است (غریب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۴).

صرف نظر از این ادعاها، تا حدودی می‌توان بحران‌ها و پیامدهای منفی این نوع جهانی شدن را چنین برشمرد:

بحران معنویت، بی‌معنا شدن یا کاهش معنای زندگی، افول نظام‌های تعلیم و تربیت و ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران اخلاقی و افزایش روبه‌رشد فسادهای اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی و بالا رفتن آمار بیماری‌های ناشی از رواج این پدیده شوم، بحران‌های اقتصادی و مالی که با ورشکست شدن بزرگ‌ترین شرکت‌ها و غول‌های تجاری غربی سر باز کرده است؛ رفاه‌زدگی عده قلیلی و فقرزدگی اکثریت افراد جوامع بشری؛ بحران محیط زیست و آلودگی‌های آن، که ناشی از ماشینی شدن زندگی و تولید ضایعات صنعتی است و تخریب‌کننده محیط زیست هستند؛ بحران امنیت و رفاه اجتماعی، قانون شکنی، ظهور تعصبات نژادی و ملی و نیز بحران فرهنگی که با از بین رفتن ارزش‌ها، عقاید و باورهای دینی، ملی و محلی جوامع ایجاد می‌گردد.

با اظهار تأسف، دین مسیحیت و ارباب کلیسا در جهان غرب، نتوانسته‌اند به مقابله با تبعات منفی این نوع جهانی‌سازی بپردازند؛ به طوری که بیش‌تر متفکران غربی، کلیسای مسیحی را به همسویی با این روند و منفعت‌خواری از این جریان ناسالم جهانی متهم کرده،

می‌گویند: کلیسای کاتولیک، دشمن سرمایه‌داری نیست؛ این کلیسا مایل است که مشتکی از مزایای نئولیبرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می‌خواهد که نئولیبرالیسم را با کاتولیسیسم درهم آمیزد. این همان سرمایه‌داری کشیش زده است (قراگوزلو، ۱۳۸۱: ۹۰).

جالب‌تر آن‌که امروزه بسیاری از تهاجم‌ها و تجاوزهای امریکا به سایر کشورها، با آموزه‌های مسیحیت بنیادگرا و حمایت کشیشان و کلیسای این نحله از مسیحیت - که صهیونیسم مسیحی نامیده می‌شود - صورت می‌گیرد.^۱ آن‌ها صهیونیسم را زمینه‌ساز ظهور منجی موعود مسیحی می‌دانند؛ زیرا معتقدند که با همراهی صهیونیسم، ظهور حضرت مسیح علیه السلام در بیت المقدس و انهدام سایر ادیان و تمدن‌ها خصوصاً دین اسلام و نجات یهودیان محقق می‌گردد. آنان در جهت تحقق این ایده، جنایت‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز و ظالمانه صهیونیست‌ها را به عنوان زمینه‌ساز ظهور منجی توجیه می‌کنند. با این تهدید، می‌توان همدستی و حمایت دولت امریکا از رژیم غاصب و جنایت‌کار صهیونیسم را توجیه نمود. با توجه به تبیین ابعاد و زوایای منفی این نوع جهانی‌سازی، می‌توان گفت که جهانی‌سازی حضرت مهدی علیه السلام هیچ‌یک از این دست‌آوردهای منفی را ندارد، بلکه با دربرداشتن ابعاد مثبت جهانی شدن، راهبردی متعالی و آرمانی برای این طرح است. پیش از بیان این راهبرد آرمانی و اثبات ابعاد متعالی آن، جهانی بودن دین اسلام را به عنوان پیش‌زمینه اثبات جهانی‌سازی مهدوی بررسی کرده، دلایل تأییدکننده این مدعا را بیان می‌نماییم.

جهانی بودن اسلام

جهانی‌سازی و جهان‌گرایی، همواره یکی از اهداف مصلحان بشر بوده است، اما از تعالیم ادیان الهی سرچشمه می‌گیرد و یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های همه انبیا و ادیان بزرگ الهی خصوصاً دین اسلام به شمار می‌رود (قطب، ۱۳۸۱: ۶۸). لازمه ضروری خاتم بودن دین اسلام، جهانی بودن آن است. در مورد سایر انبیا، دلیل قطعی بر عمومیت و جهانی بودن رسالت آن‌ها موجود نیست و هرچند آرمان آن‌ها بوده، در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قضیه کاملاً برعکس است. رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای همه جهانیان و همه نسل‌ها است. آن بزرگوار، برای هدایت و راهنمایی عموم جهانیان مبعوث شده بود، برخلاف رسالت سایر انبیا که هر یک برای امت خاص یا نسل ویژه‌ای مبعوث می‌شدند؛ کتاب‌های آن‌ها برای ملت مشخص و یا یک دوره

۱. نام‌های دیگر صهیونیسم مسیحی عبارتند از: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات‌یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگ جوی انجیل و....

زمانی خاص بود؛ محدوده مکانی تبلیغ آن‌ها معین بود و رسالت آن‌ها جهانی نبود (عبدالحلیم محمود، بی تا: ۹۵).

ریشه‌های جهان‌شمولی دین اسلام، در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف‌پذیر بودن آموزه‌های آن و داشتن عنصر مهم اجتهاد و تطابق آن با مقتضیات زمان و مکان نهفته است (اخوان کاظمی، بی تا: ۸۶). از سویی تمام عناصر جهانی‌سازی در مذهب شیعه به طور مشهود وجود دارد. مکتب شیعه دوازده‌امامی بیش‌ترین تأکید بر خردورزی را دارد. عناصر عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن در این مکتب، دارای نمود و جایگاه والایی است.

بنابراین با ادله نقلی و شواهد تاریخی، عمومیت دین اسلام و جهانی بودن آن را می‌توان اثبات کرد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) شواهد تاریخی

از جمله این شواهد عبارتند از:

۱. پیامبر اسلام ﷺ برای سران کشورها، مانند پادشاهان ایران، روم، یمن، حبشه، مصر و حتی برای رؤسای قبایلی که به طور مستقل زندگی می‌کردند، نامه‌هایی فرستاد.
۲. برای هر کدام از کشورها و قبایل مختلف پیک مخصوصی ارسال می‌کرد تا آنان را به پذیرش اسلام فراخواند. این مطلب، دلیل بر عمومیت و جهانی بودن دین اسلام است.

ب) آیات قرآن

آیات متعددی از قرآن کریم با صراحت تمام، بر عمومیت دین اسلام و اختصاص نداشتن آن به زمان و مکان و قوم خاصی، تأکید می‌کنند؛ برخی از این آیات عبارتند از:

۱. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾؛ (فرقان: ۱)
بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.
۲. ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾؛ (اعراف: ۱۵۸)
بگو: ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.
۳. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾؛ (سأ: ۲۸)
و ما تو را جز [به سیمت] بشارت‌گر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم.
۴. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾؛ (انبیاء: ۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

این آیات، بیان می‌کند که هدف اسلام، اصلاح جامعه انسانی در سراسر گیتی بدون توجه به حدود و مرزهای جغرافیایی است. به همین دلیل، اسلام از همان روزهای آغازین، همه حکومت‌ها و دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد دعوت می‌کرد. یکی دیگر از دلایل جهانی بودن دین اسلام، تکرار واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن کریم است که نزدیک به ۲۴۰ بار واژه «الناس» و ۶۵ بار واژه «الانسان» در آن تکرار شده است. این دو کلمه، واژه‌هایی برای تمام افراد انسانی هستند و عمومیت و کلیت آن‌ها واضح است؛ مانند:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾؛ (حج: ۴۹)
بگو: ای مردم، من برای شما فقط هشداردهنده‌ای آشکارم.

﴿إِنِّي جَاعِلٌكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾؛ (بقره: ۱۲۴)
من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

در واقع نگرش قرآن به انسان و هدایت رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است و هیچ مرزی را در جهت تحقق اهداف جهان شمول خود نمی‌شناسد.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾؛ (بقره: ۱۴۳)

و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

خداوند، آشکارا در این آیه بر مسئله جهانی سازی تأکید می‌فرماید و این امر را وظیفه مهم جامعه اسلامی دانسته، از آن‌ها می‌خواهد که با تمام توان، در جهت ساخت و ساز ملت‌ها و اصلاح جوامع انسانی تلاش کنند. همچنین در سوره فتح می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾؛ (فتح: ۲۸)

اوست کسی که پیامبر خود را به - قصد - هدایت، با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند.

در این آیه، به برتری فرهنگ اسلامی تأکید شده تا شایستگی آن را بر دیگر فرهنگ‌ها در جهت جهانی سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای تمامی انسان‌ها نمایان گرداند. از آیات

شریفه قرآن کریم، استنباط می‌شود که در چنین حیات طیبه‌ای، برکات الهی تمام عالم را فرا می‌گیرد. طبق آیه ۹۶ سوره اعراف، هرگاه ایمان و تقوا در جامعه انسانی گسترش یابد و انسان‌ها حریم خود و خداوند را نگه دارند، برکات الهی بر مردم نازل می‌شود.

اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت راهنمایی کنند، آن‌گاه زمام جهانی سازی بشردوستانه را به دست گرفته، مسئولیت پیش‌گفته خویش را در برابر خداوند و خلق به نحو احسن ادا خواهند نمود (معرفت، ۱۳۸۳: ۵۹). در این جاست که سلطه نظام‌های استبدادی و استعماری به پایان می‌رسد و انصاف و عدل مهدوی که درمان‌گر دردهای جوامع بشری است، بر جهان حاکم می‌گردد.

حکومت جهانی مهدوی؛ آموزه‌ها و شاخص‌های آن

گفتیم که اسلام، دین جهانی و یک طرح کلی، عمومی و جاودانه برای تمام جهانیان است که در تمام ابعاد خویش، در پی ایجاد حیات طیبه و زندگی سالم و یک‌سان برای تمام بشریت است. طبق آموزه‌های اسلامی و منابع دینی، از ابتدای شکل‌گیری حکومت اسلامی تا کنون، حیات طیبه به عنوان یک طرح عمومی و جهانی، امکان تحقق نیافته است و صرفاً در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام و در دولت کریمه ایشان، این جهانی سازی اسلامی تحقق می‌یابد. در این جا با مراجعه به احادیث مربوط به دوره آخرالزمان و عصر حکومت جهانی امام زمان علیه السلام در پی شناخت برخی از اوصاف این حکومت سرشار از حیات انسانی و مدینه فاضله ایشان، آن هم از باب اشاره و یادآوری هستیم:

۱. رشد شاخص‌های اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و رفع فقر و ناداری

در حکومت جهانی امام عصر علیه السلام شکاف‌های اقتصادی، فقر، بیچارگی و ناداری حاصل از جهانی سازی غربی وجود ندارد. طبق شواهد این مدعی، هیچ فقیری برای دریافت صدقه یافت نمی‌شود و جامعه به بی‌نیازی کامل می‌رسد. برخی از روایات تأییدکننده این مدعی عبارتند از:

الف) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. همه، چه نیکوکار و چه بدکار، از آن جمله‌اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ج ۳۶).

ب) امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون قائم ما قیام نماید، زمین با نور پروردگار، روشن می شود و خلایق از نور آفتاب، بی نیاز باشند و تاریکی زایل می گردد و مردم در دوران سلطنت آن حضرت بسیار عمر می کنند... و زمین خزانه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلایق همه آن ها را در روی زمین می بینند. مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش به او عطا کند تا این که صلۀ رحم به جا بیاورد یا این که از وجه زکات چیزی را به او بدهد، چنین کسی که این ها را از او قبول نماید، یافت نمی شود و خلایق به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی نیاز هستند (همو: ج ۵۱: ۷۸).

۲. برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی

عدالت ورزی یکی از مهم ترین شاخص های حکومت جهانی امام عصر علیه السلام است؛ همان چیزی که در همه اعصار تاریخ به جز موارد اندکی، گم شده حکومت ها بوده است. آن حضرت حکومت خود را بر پایه عدالت تشکیل می دهد و بر اساس همین اصل، به تعامل با مردم می پردازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را به اندازه ای طولانی خواهد نمود تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن ازستم و جفاکاری پر شده است... (همو: ج ۵۱: ۸۴).

امام حسین علیه السلام می فرماید:

هنگامی که قائم قیام می کند، عدل گسترده می شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را دربر می گیرد (همو: ج ۲۷: ۹۰).

امام صادق علیه السلام نیز درباره مبارزه آن حضرت با متجاوزان به بیت المال می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، آنان را بگیرد و دستانشان را قطع کند و به خواری در کوی و برزن بگرداند و بگوید: «اینان دزدانی هستند که از خدا می دزدند» (حرعاملی، بی تا: ج ۳۵۵، ۹).

درباره این که آن حضرت چگونه عدالت را برپا و اجرا می کند، علی عقبه از پدرش چنین نقل

می نماید:

هنگامی که قائم قیام کند، بر اساس عدالت حکم می کند؛ ظلم و جور در دوران او برچیده می شود؛ راه ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد؛ هر حقی به صاحبش می رسد؛ کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مومنان بی نیاز و غنی خواهند شد (شبلنجی شافعی، بی تا: ۳۵۲).

با توجه به تأکید مکرر قرآن کریم بر آموزه عدالت و قسط، می‌توان ادعا کرد که حکومت‌های اسلامی که زمینه ظهور ولی عصر علیه السلام را فراهم می‌سازند، باید عدالت را در سطوح مختلف جامعه اجرا نمایند. اجرای عدالت در لایه‌های مختلف حکومت اعم از مسئولان و مردم ضروری است. حاکم اسلامی باید همه مردم را از یک زاویه ببیند و تبعیض نژادی و قومی برچیده شود؛ زیرا انسان‌ها در سایه عدالت و برابری، به سعادت و تکامل انسانی نایل می‌شوند و رسیدن انسان‌ها به فضیلت و تکامل، پیش درآمد ظهور و منجی عالم، مهدی موعود علیه السلام است.

۳. احیای آیین توحیدی و برجیدگی شرک و پرستش خدایان دروغین

در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ مجامله‌ای، اسلام به عنوان آیین برتر و متعالی به جهانیان معرفی و توسط آن‌ها پذیرفته می‌شود؛ در حالی که در جهانی سازی غربی که مبنای آن لیبرال - دموکراسی، است با اعتقاد به اصل نسبیت ارزش‌های اخلاقی و دینی و تساهل و اغماض افراطی در برابر همه عقاید و ادیان، حمایت از یک مذهب به معنای دخالت در آزادی عقاید است و سکولاریسم و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی، در سرلوحه کار حامیان این عقیده قرار دارد. در این جا به برخی از روایت‌های تأییدکننده این بعد از حاکمیت مهدوی اشاره می‌کنیم. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

در زمین هیچ ویرانه‌ای باقی نمی‌ماند، مگر این که آباد گردد؛ و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی‌ماند، مگر این که دچار حریق گشته و می‌سوزد (کورانی، بی تا: ۳۶۱).

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می‌کند: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که کلمه طیبه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می‌شود (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۵۰).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: درباره این آیه^۱ از پدرم پرسیدند، فرمود: هنوز تأویل آن نیامده است. اگر قائم ما قیام کند، آن کس که او را می‌بیند تأویل آن را به خوبی خواهد دید. با ظهور او شعاع دین پیغمبر چنان بالا می‌گیرد که در روی

۱. «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۳۶).

زمین شرک و بی‌دینی نمی‌ماند. (همو: ج ۲، ۵۶).

۴. تثبیت و شکل‌گیری صلح و امنیت جهانی و ایجاد آرامش همگانی

از روایت‌های موجود در زمینه حکومت جهانی مهدوی، این‌گونه استنباط می‌شود که ترس و ناامنی، از زندگی مردم رخت برمی‌بندد و امنیت در سراسر جهان حاکم می‌گردد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان چنان‌که باید بیارد، می‌بارد و زمین نیز رستنی‌هایش را بیرون می‌دهد و کینه از دل بندگان زدوده می‌شود و میان دد و دام آشتی برقرار می‌گردد، به‌گونه‌ای که یک زن، بین عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می‌گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت‌هایش را گذارده، نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ۱۰۴).

۵. عصر شکوفایی علمی و به کمال نهایی رساندن دانش و عقلانیت انسان‌ها

این‌که جهان امروز از حیث پیشرفت علم و تکنولوژی چشم‌انداز رو به جلویی دارد، امری انکارناپذیر است. اما پیشرفت علم و اختراعات متعدد، نتوانسته گوشه‌ای از رنج‌ها و بحران‌های زندگی انسان را التیام بخشد، بلکه برعکس، در مواردی بحران‌ساز شده و تا حدودی امنیت و آرامش انسان را مختل نموده و ابهامات و علامت سؤال‌های زیادی پیش روی دارد؛ در حالی‌که در حکومت جهانی مهدوی، دانش و تکنولوژی، پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی را پشت سر می‌گذارد و دست‌آوردهای زیادی در تمام حوزه‌های علمی (اعم از علم تجربی، علوم عقلی، دانش نقلی و عرفانی) به بار می‌آورد. امام صادق علیه السلام در این مورد فرموده است:

دانش ۲۷ حرف است؛ همه علمی که پیامبران برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی وقتی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را ابراز می‌کند و آن را در میان مردم گسترش می‌دهد، آن‌گاه آن دو حرف را ضمیمه می‌کند و همه ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می‌نماید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶).

همچنین در حکومت طیبه مهدوی، انسان‌ها به کمال عقلانیت و تفکر می‌رسند؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده، عقل آن‌ها زیاد و فهمشان بالا می‌رود.

باز در جای دیگری فرموده است:

به مردم زمان قائم، آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که زن در خانه خویش براساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، عادلانه و آگاهانه دآوری می‌کند و نیازی به دیگری ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۵۳). (۳۵۲)

جهانی‌سازی مهدوی مبتنی بر براهین و استدلال‌های عقلی بوده، با تکیه بر استدلال، در پی کسب مقبولیت و رضایت عمومی است. نظام حکومتی حضرت مهدی علیه السلام بر پایه مشروعیت کامل و مبتنی بر قانون است؛ حکومتی نیست که با فریب افکار عمومی و تبلیغات نادرست ایجاد شده باشد، بلکه حاصل رضایت و مقبولیت قلبی تمام موجودات عالم اعم از انس و جن و... است.

۶. ارتقای کرامت انسانی و حفظ و بالندگی حقوق بشر

بر خلاف جهانی‌سازی غربی که ارزش و کرامت انسان‌ها در آن مخدوش شده و حقوق بشر جایگاهی ندارد، در حکومت جهانی مهدوی، کرامت انسانی و حقوق بشر محوریت دارد و به متعالی‌ترین حد خود می‌رسد. حضرت علی علیه السلام این مطلب را ضمن وصف عصر ظهور، این‌گونه یادآور می‌شود:

سپس به کوفه روی می‌آورد که قرارگاه و منزل اوست. هیچ برده مسلمان در بند نمی‌ماند، جز این‌که او را می‌خرد و آزاد می‌سازد؛ بدهکاری نمی‌ماند، مگر این‌که دین او را می‌دهد و مظلومه‌ای نمی‌ماند، جز این‌که آن را می‌پردازد و کشته‌ای نمی‌ماند، مگر این‌که دیه او را می‌دهد و خانواده او را تأمین می‌کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می‌نماید (قرظینی، ۱۳۷۶: ۶۷۱ - ۶۷۲).

رعایت کرامت انسان‌ها صرفاً به شخص امام عصر علیه السلام منتهی نمی‌شود، بلکه یاران وی که مهم‌ترین آن‌ها ۳۱۳ تن هستند، بر مبنای رعایت این اصول با آن حضرت بیعت می‌کنند. حضرت علی علیه السلام در وصف بیعت ۳۱۳ یار خاص امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

با او بیعت می‌کنند، در حالی که هرگز دزدی ننمایند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند... راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، از اعمال منافی عفت اجتناب کنند... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آن‌ها برود، جامه‌ای مثل جامه آن‌ها بپوشد، مرکبی همانند آن‌ها سوار شود و... (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۷۸).

براساس برخی از روایت‌ها، حکومت مهدوی در عین صلابت، بر عطف و مهرورزی مبتنی است. انسان‌ها بدون هیچ تبعیضی تکریم می‌شوند، مردم به سوی او پناه می‌برند، چنان‌که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می‌برند و صفا و صمیمیت صدر اسلام به مردم برگردانده می‌شود.

۷. نفی قومیت‌مداری و از بین بردن تبعیضات نژادی و طبقه‌ای

نفی نژادپرستی، قومیت‌مداری، باندبازی، جناح‌گرایی و فامیل‌مداری، از جمله شاخص‌های اساسی حکومت جهانی مهدوی است. کابینه حکومت طیبیه مهدوی بر پایه ملاک‌هایی مثل تقوا، شایسته‌سالاری، کاردانی، تعهد، قدرت‌مدیریت و لیاقت شکل می‌گیرد. از مهم‌ترین دلایل تأییدکننده این مطلب، می‌توان به گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام موعود علیه السلام اشاره نمود که هیئت دولت کریمه ایشان را تشکیل می‌دهند. این افراد از کشورهای متعدد - بر اساس گزارش‌های موجود، قریب به ۲۳ کشور به عنوان محل سکونت آن‌ها معرفی شده است - و بر مبنای تقوا، کاردانی و شایستگی انتخاب شده‌اند. در روایات موجود در این زمینه نزدیک به پنجاه نفر آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. این مطلب نشان‌دهنده آن است که قومیت، نژاد و جنس مذکر یا مؤنث بودن در حکومت مهدوی جایگاهی ندارد، بلکه ایمان، پارسایی و شایستگی ملاک است. شاید یکی از دلایلی که حکومت مهدوی را عموم جهانیان به سرعت می‌پذیرند، همین مطلب باشد؛ زیرا در سایه چنین حکومتی است که تبعیض، فقر، شکاف طبقاتی و استکبارورزی از بین می‌رود.

۸. گفت‌وگو با سایر ادیان

از روایات استنباط می‌شود که در حکومت جهانی مهدوی، گرچه آن حضرت همه ادیان و مذاهب را به پیروی از اسلام فرا می‌خواند، آن‌ها را به اجبار دعوت به اسلام نمی‌کند، بلکه محور کار آن حضرت، هدایت جامعه بشری است و اصل هدایت باید بر اقناع مبتنی باشد. از ابتدای ظهور، اصل کتب تحریف‌نشده تورات، زبور، انجیل و... را می‌آورد، بر اساس آن‌ها با اهل کتاب به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد و آن‌ها را به دین اسلام و حکومت جهانی اش رهنمون می‌سازد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

چون قائم اهل بیت قیام کند، اموال را به طور مساوی تقسیم می‌نماید و نسبت به رعیت، با عدالت حکم می‌کند. پس هر کس او را اطاعت نماید، خدا را اطاعت کرده و هر کس با او مخالفت کند، خدا را عصیان و مخالفت نموده. نامیدن او به مهدی، از این جهت است که خداوند او را به امورات مخفی، راه می‌نماید و تورات و سایر

کتاب‌های خداوند را در انطاکیه از مغازه‌ای بیرون می‌آورد و در میان اهل تورات، با تورات و در میان اهل انجیل، با انجیل و در میان اهل زبور، با زبور و در میان اهل قرآن، با قرآن حکم می‌فرماید (قزوینی، ۱۳۷۶: ۶۷۲).

۹. احیای دین بر مبنای مقتضیات زمان و مکان

لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای تحولات تازه و پاسخ‌گویی به مسائل جدید، از جمله ویژگی‌های جهانی شدن است. اسلام با داشتن عنصر اجتهاد پویا، در زمینه سازگاری با مقتضیات جدید، انعطاف‌پذیری چشم‌گیری دارد. جهانی‌سازی مهدوی هم دارای این مشخصه است و در زمان ایشان، اسلام ناب ظهور می‌نماید و به نوعی جهان با یک رویکرد نوسازی دینی مواجه می‌گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می‌آورد و بر عرب سخت می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۷۷).

ایشان در جای دیگری، ضمن تشبیه حکومت مهدوی به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ابطال قوانین جاهلی می‌فرماید:

قائم وقتی قیام کند، احکامی که در ایام مصالحه با کفار در دست خلیف بوده است، را باطل می‌گرداند و با عدالت در میان مردم رفتار می‌کند (قزوینی، ۱۳۷۶: ۷۳۵ - ۷۳۶).

در عصر ظهور، بسیاری از کتب فقهی، حدیثی و متون تفسیری از اعتبار ساقط می‌گردد؛ زیرا مردم با رشد عقلانی و فکری که در این دوره به دست آورده‌اند، بسیاری از تئوری‌های افراطی را نفی می‌کنند و به تبیین اسلام ناب می‌پردازند.

۱۰. تحولات بنیادی در حوزه رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق است، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق می‌بیند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۹۱).

در جای دیگری می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آن‌ها و مهدی ما نامه‌رسان یا واسطه‌ای نباشد (کلینی، بی‌تا: ج ۸، ۲۴۰).

با توجه به این دو روایت، به نظر می‌رسد که پیشرفت‌های عصر ظهور در حوزه فضاها، رسانه‌ای، صرفاً به تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی منحصر نیست، بلکه مردم آن عصر، به واسطه داشتن سطح متعالی ایمان، دارای کمالاتی شده، گوش و چشم آن‌ها دارای قدرت فرابینایی، فراشنوایی و فرامکانی خواهد گردید؛ به طوری که هر لحظه می‌توانند از دورترین نقطه جهان با آن حضرت ارتباط برقرار کنند و از فیض وجود ایشان بهره‌مند شوند. در واقع انسان‌ها در حکومت جهانی مهدوی، به کمال واقعی خود می‌رسند که اشرف مخلوقات بودن است و همواره خود را در حضور امام عصر علیه السلام می‌دانند.

۱۱. حفظ محیط زیست و رعایت حقوق جان داران

بحران محیط زیست و تخریب آن، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی جهانی سازی غربی است. اما جهانی سازی مهدوی این وجه منفی را ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همه موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام راضی هستند.» ایشان حکومت مهدوی را مایه رفاه و شادمانی کلیه موجودات به شمار آورده است (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۷۲).

امام حسن علیه السلام فرموده است:

در دولت حضرت مهدی علیه السلام حتی درندگان آزادانه و بدون مزاحمت زندگی می‌کنند.

همه این موارد، بیان گر نهایت صلح و آرامشی است که بر جهان حاکم می‌گردد.

نتیجه

در این مقاله، جهانی سازی و قرائت‌های متعدد آن بررسی شد و جهانی سازی غربی و پیامدهای منفی آن تبیین گردید. ماهیت درونی و اصلی این تئوری، سلطه امپریالیسم غربی و لیبرال - دموکراسی امریکایی بر جهان است. این جهانی سازی، فرایندی مادی و یک سویه است که برخی از اهداف آن، انحصارطلبی غرب و یک پارچه کردن جهان و هضم آن در بازار مشترک جهانی به رهبری سرمایه داری امریکا، از بین بردن مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، ملی و دینی، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی و زندگی غربی، ریختن سرمایه تمام کشورها و انسان‌ها به جیب سرمایه داران، منفعت جوئی غربی و امریکایی و از بین بردن ادیان و مذاهب به ویژه دین اسلام است. در ادامه، مسئله جهانی بودن دین اسلام از منظر قرآن کریم و شواهد تاریخی بررسی گردید و یکی از مسائل بنیادین اسلام تحت عنوان حکومت جهانی مهدوی، طرح شد و با استناد به روایات معصومان علیهم السلام، مهم‌ترین شاخص‌ها و آموزه‌های آن حکومت طیبیه، از باب

اشاره و یادآوری بیان گردید که برخی از آن ویژگی‌ها عبارتند از: حاکمیت مطلق اسلام و رفع شرک و دوگانه‌پرستی، فراگیر شدن عدالت و قسط، ایجاد آرامش و امنیت در سرتاسر گیتی، رفاه اقتصادی و رفع فقر و ناداری، پیشرفت علم و اوج کمال عقلانی و فکری، اعتلای کرامت انسانی و حقوق بشر، نفی مطلق نژادپرستی و قوم‌گرایی، تحول بنیادین در حوزه رسانه‌ها، نوسازی دینی بر مبنای مقتضیات زمان، حفظ محیط زیست و حق جان‌داران.

با عملی شدن و اجرای مؤلفه‌های حکومت جهانی مهدوی، می‌توان زمینه ظهور آن حضرت را فراهم ساخت و سبب تعجیل در فرج موعود گردید. حکومت اسلامی باید تمام شاخص‌های حکومت آرمانی مهدوی را که در آیات و روایات ذکر گردیده است، در تمام لایه‌های حکومت و جامعه اسلامی به کار گیرد.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام، حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شدن در عصر ما، تهران، دبیرخانه پنجمین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام ۱۳۸۴ ش.
۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳. پیشگاهی فرد، زهرا، نگرش ژئوپولیتیکی بر پدیده جهانی شدن، تئوری نظام های فرامنطقه ای، تهران، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۸۰ ش.
۴. شیروودی، مرتضی، «مبانی نظری جهانی سازی»، فصل نامه کتاب نقد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۱ ش.
۵. شبلنجی شافعی، سید مؤمن، نورالابصار فی مناقب آل البيت النبوی المختار، قم، انتشارات دارالفکر، بی تا.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۷. صدرا، علی رضا، آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهان گرایی مهدویت، تهران، قیسات، ۱۳۸۳ ش.
۸. عبدالحلیم محمود، علی، الدعوة الاسلامیة دعوة عالمیة، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، بی تا.
۱۰. غریب آبادی، کاظم، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۹۳ - ۱۹۴، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. قراگوزلو، محمد، «جهانی شدن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۷ - ۱۸۸، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. قطب، محمد، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه: زاهد اویسی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.
۱۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، بی جا، بی تا.
۱۶. مالکوم، واترز، جهانی شدن، ترجمه: اسماعیل مردانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق: سید ابراهیم میانجی و همکاران، بیروت، مؤسسه

الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ش.

۱۸. مردانی گیوی، اسماعیل، «جهانی شدن، نظریه‌ها و رویکردها»، *اطلاعات سیاسی* -

اقتصادی، ش ۱۶۷ - ۱۶۸، ۱۳۸۰ ش.

۱۹. معرفت، محمدهادی، «جهانی شدن زمینه جهانی سازی یا درانتظار یوم موعود»،

فصل نامه *قبسات*، ش ۳۳، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز ۱۳۸۳ ش.

۲۰. هانتینگتون، ساموئل پی، *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه: محمدعلی

رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ش ۲۴ - ۲۵، ۱۳۷۸ ش.